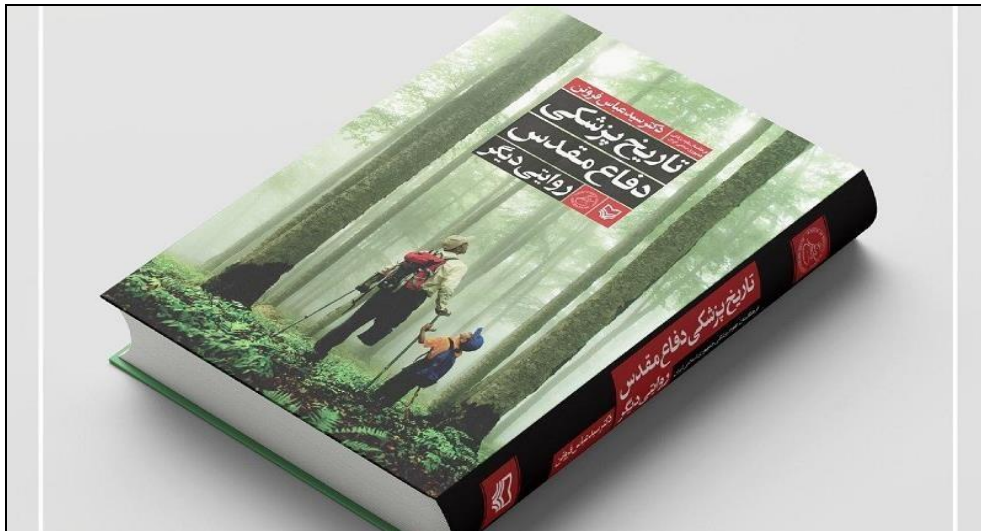


معرفی جلد دوم کتاب روایتی از تاریخ پزشکی دفاع مقدس

سیدعباس فروتن^{۱*}



آزاد شدن شهر مهران

فصل‌های اول و دوم کتاب از خرداد ماه سال ۱۳۶۵ شروع می‌شود؛ زمانی که عملیات فاو به اتمام رسیده بود و جبهه‌های جنوب در آرامش نسبی قرار داشت. حمله عراق به مهران و سپس عملیات کربلای (یک) در آزادسازی مهران و نیز پیگیری یکی از مجروحان خاص این عملیات در این فصل‌ها آمده است:

«پنجمین روز عملیات بود و با وجود انتظار طولانی ما، هنوز حمله شیمیایی صورت نگرفته بود. به اتاق عمل بیمارستان صحرایی در منطقه عملیاتی مهران رفتیم، جوانی را دیدم که شکم و دست‌وپایش پر از ترکش و سوراخ‌های بزرگ بود و برای عمل جراحی آماده می‌شد. سه گروه جراح به سرپرستی استاد دکتر سیدمحمدرضا کلانتر معتمدی روی او کار می‌کردند؛ ارئوپد، روی پا، جراح عمومی روی شکم و جراح عروق روی آسیب شریان. جراحان تصمیم گرفتند ابتدا شکم را باز و خونریزی داخلی را برطرف کنند تا پس از کنترل شوک، اگر نبض‌های پای راست برنگشت. شریان پوپلیته نیز بررسی شود. با توجه به عدم نبض پای راست، شریان فمورال از قسمت میانی تا پوپلیته باز و مشخص شد که خوشبختانه پارگی وجود ندارد ولی به دلیل ضایعات مجاور، شریان در نقاط مختلف اسپاسم

کتاب روایتی از تاریخ پزشکی دفاع مقدس که در اسفند ماه سال ۱۳۹۸، توسط فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران منتشر شد، به دنبال کتاب قبلی (روایتی از تاریخ پزشکی دفاع مقدس، ۱۳۹۷) بخش دوم از رویدادهای پزشکی جنگ را از نگاه نویسنده روایت می‌کند. این کتاب ۵۵۲ صفحه‌ای در ۳۵ فصل برای مخاطبان دانشجویان علوم پزشکی نوشته شده و به مرور حوادث پس از عملیات والفجر ۸ و نقش بیمارستان‌های صحرایی در درمان رزمندگان پرداخته و به شرح حال بیش از ۸۰ نفر از شهدا و جانبازان اشاره کرده است. همچنین حمله شدید با گاز اعصاب به خرمشهر، حمله با گاز خردل به سردشت، حادثه حلبچه و نیز نقش حملات شیمیایی دشمن در مناطق فاو، شلمچه و جزایر مجنون در سال آخر جنگ بحث شده است. علاوه بر این‌ها، پس از جنگ، حوادث شیمیایی ادعایی سوریه و تجربه حادثه مسمومیت شهری زاهدان مورد بررسی قرار گرفته است.

در این کتاب همچنین، مباحث علمی مربوط به گازهای اعصاب که نقش زیادی در تأثیر حملات شیمیایی سال‌های آخر جنگ داشت به تفصیل بحث شده است. از ارزش‌های دیگر این کتاب ارائه متن کامل دستورالعمل‌های درمانی جراحات جنگی و سلاح‌های شیمیایی است که در زمان دفاع مقدس در اورژانس‌های جبهه و بیمارستان‌های صحرایی مورد استفاده پزشکان بوده است.

۱. * نویسنده مسئول: عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران

«در فرصتی که پس از حادثه فوق پیدا کردم سری به کارخانه زدم و برایم جالب بود که در چنین شرایط بحرانی همه مشغول کار بودند و کارخانه فعال بود. با پیگیری توانستم خانه‌های برخی از مسمومان گذشته را پیدا کرده و صحبتی با آن‌ها داشته باشم تا اطلاعات بالینی خودم را افزایش دهم. ذیلاً خلاصه‌ای از شرح حال مسمومیت‌های گذشته آنان را از زبان خودشان مرور خواهیم کرد. یکی از بیماران گفت: تجربه من این است که در چند تنفس اول، بوی گاز احساس می‌شود ولی پس از مدتی حس نمی‌شود. من در موقع حادثه احساس سوزش در گلو، سوزش و اشک ریزش چشم، تیر کشیدن بینی و درد پیشانی نداشتم و بدون هیچ علامت مقدماتی (حتی بدون احساس شلی و ضعف در بدن)، پس از چند تنفس بر زمین افتاده و بی‌هوش شدم...»

ابره‌های گاز اعصاب بر فراز خرمشهر

فصل‌های ۱۷ و ۱۸ به بررسی حملات شدید شیمیایی با گاز اعصاب در فروردین سال ۱۳۶۶ به خرمشهر اختصاص یافته است: «ساعت حدود ۱۲:۳۰ نیمه‌شب بود و در کنار استاد دکتر سیدمحمدرضا کلانتر معتمدی مشغول نوشتن یادداشت‌هایی در مورد صدمات قفسه‌سینه در مجروحان بودیم تا نهایتاً جزوه راهنمایی را برای رزیدنت‌های جراحی تهیه کنیم. خوابم نمی‌برد؛ ناگهان اطلاع دادند دو مجروح ضربه مغزی به بیمارستان آورده‌اند؛ امدادگران می‌گفتند که آن‌ها با ماشین به خاک‌ریز کنار جاده خورده‌اند. وضعیت آن‌ها مشکوک بود هر دو شهید شده بودند. در همین لحظه چند بیمار دیگر در حال اغماز را آوردند و متوجه شدم انتظارم به سر آمده است! آری سرانجام حمله گاز اعصاب در تاریکی شب و شرایط آرامش نسبی منطقه جنگی صورت گرفته بود و من انتظار مصدومان زیادی را داشتیم...»

حملات شیمیایی گسترده به مناطق غیرنظامی

فصل‌های ۱۹ تا ۲۶ به بررسی مفصل حملات شیمیایی سال ۱۳۶۶ به سردشت، مریوان و حلبچه عراق می‌پردازد: «پس از اتمام کارها در اورژانس خودمان در منطقه حلبچه، سومین روز سال جدید یعنی سال ۱۳۶۷ برای پیگیری درمان مصدومان نجات‌یافته از فاجعه حلبچه، چند روزی به تهران رفتم. تهرانی‌ها تحویل سال نو را در زیر موشک‌باران عراق سپری کرده بودند و موشک‌باران همچنان ادامه داشت. برای بررسی مشکلات مصدومان شیمیایی به چند بیمارستان و نقاهتگاه سر زدم. یکی از نقاهتگاه‌ها که یک سالن ورزشی بود به درمان زنان و کودکان حلبچه که تا آن موقع بهبودی نسبی یافته و یا مسمومیت متوسطی داشتند اختصاص یافته بود. با وجود اینکه به علت تعطیلات عید فروشگاه‌ها بسته بود؛ ولی مردم با وسایل و آذوقه شخصی خودشان نیاز نقاهتگاه را برطرف می‌کردند. از منطقه خبر می‌رسید که

داشت با تزریق زایلوکایین در ادوانتیس، اسپاسم برطرف شد و نبض ضعیف برگشت. با توجه به احتمال وجود لخته، در ناحیه کشاله ران شریان فمورال اکسپلور شد و سوند فوگارتی رد شد...»

عملیات کربلای ۴ و ۵

فصل‌های ۳ تا ۱۳ بیش از ۲۴ مورد از مجروحان عملیات را که در بیمارستان‌های صحرایی پذیرش و جراحی شدند بررسی می‌کند: «نخستین روزهای عملیات کربلای ۵ در بیمارستان صحرایی مشغول کار بودم که شاهد اتفاق عجیبی بودم. آمبولانس، مجروحی را از خط آورده بود که خمپاره ۶۰ میلی‌متری وارد ساق پایش شده ولی هنوز منفجر نشده بود. من شنیده بودم جنگ‌افزارهایی که شلیک شده ولی عمل نکرده‌اند، بسیار حساس بوده و هرلحظه ممکن است بر اثر ضربه، لرزش و گرما منفجر شوند...»

بچه‌های گردان فجر بهبهان

فصل‌های ۱۴ و ۱۵ ضمن بررسی حملات شیمیایی با گاز خردل به سنگر بچه‌های گردان فجر بهبهان در شروع عملیات کربلای ۵، به علائم بالینی متفاوت آنان در مقایسه با سایر موارد کلاسیک مسمومیت خردل پرداخته و مکانیسم این نوع غیر شایع مسمومیت خردل بحث می‌شود: «از حدود ۳۸۰ نفر بچه‌های گردان فجر بهبهان، در یک ماه اول پس از حادثه، نزدیک ۷۲ نفر در محل حادثه، و اهواز، و بیمارستان‌های تهران و شهرهای دیگر به شهادت می‌رسیدند. چند نفر نیز طی سال‌های بعد، به علت عوارض مزمن و پس از تحمل رنج ناشی از مشکلات تنفسی، و چشمی و پوستی شهید می‌شدند. البته تعداد دیگری از رزمندگان که از آن مسیر عبور کردند نیز مصدوم و شهید شوند که رقم شهدا را تا ۹۰ نفر نیز ذکر کرده‌اند. روز حادثه من در حال آماده‌سازی اورژانس شیمیایی امام حسین (ع) در منطقه حسینیه بودم، هنوز اورژانس آماده نشده بود که چندین مصدوم شیمیایی را آوردند. اکنون یادداشت‌های آن روز را با هم مرور خواهیم کرد...»

خطرات بمباران مراکز صنعتی کشور

در بهمن سال ۱۳۶۵ یک کارخانه تصفیه گاز طبیعی در جنوب کشور در اثر حملات عراق دچار آسیب شد و در نتیجه پخش گاز، چند نفر دچار مسمومیت شده و یک نفر به شهادت رسید. یکی از مصدومان فردی که به شهادت رسید برای درمان، به اورژانس شیمیایی که در آن حوالی بود انتقال یافت. در فصل ۱۶ علائم بالینی این نوع مسمومیت به تفصیل بحث شده است:

بمباران شیمیایی مناطق نظامی و غیرنظامی همچنان ادامه دارد. بیمارستان‌ها و نقاهتگاه‌ها پر از مصدومان غیرنظامی بود...»

حملات شیمیایی عراق به جنوب و اتمام جنگ

فصل‌های ۲۷ تا ۳۲ به بررسی حوادث سال ۱۳۶۷ و اتمام جنگ می‌پردازد: «در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۷ قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران، به‌طور رسمی پذیرفته شد. یک روز بعد رییس مجلس در این مورد توضیحاتی داد و به قسوت رژیم بعثی عراق در حملات شیمیایی به‌عنوان یکی از علل پذیرش قطعنامه اشاره کرد. متأسفانه عراق حملات خود را پس از پذیرش قطعنامه گسترش داد، به‌طوری‌که ۴ روز بعد، آخرین حملات گسترده عراق در جبهه‌های جنوب و غرب کشور آغاز شد و مناطقی را نیز به اشغال درآورد. صدها هزار نیروی داوطلب در برابر این هجوم عراق که با پشتیبانی توپخانه شیمیایی و در زیر حملات سنگین هوایی جنگی و شیمیایی صورت می‌گرفت ایستادگی کردند تا سرانجام عراق به مرزهای بین‌المللی بازگشت...»

خاتمه کتاب

در فصل‌های ۳۳ تا ۳۵، با بحث پیرامون حادثه مسمومیت گسترده در شهر زاهدان، حوادث شیمیایی سوریه و کلامی با دانشجویان، کتاب به اتمام می‌رسد:

«در ماه می ۲۰۱۹ (اردیبهشت ۱۳۹۸) گزارش ۱۵ صفحه‌ای در رسانه‌ها منتشر شد که توسط یکی از کارشناسان سازمان منع سلاح‌های شیمیایی (OPCW)^۱ برای استفاده داخلی سازمان تهیه شده بود. این گزارش به‌وضوح نشان می‌داد که شواهد مربوط به پرتاب کپسول کلرین از هوا، به آن‌گونه که در نتایج گزارش نهایی OPCW آمده غیر قابل قبول بوده است و حتی شواهد موجود بیانگر این است که قرار گرفتن این کپسول‌ها در محل، صحنه‌سازی بوده است. OPCW هرگز به این نظریه در گزارش نهایی خود اشاره نمی‌کند و پس از افشای این سند هرگز آن را رد نمی‌کند و پاسخی هم به اعتراضات نمی‌دهد. درحالی‌که هندرسون، کارشناسی است که سال‌ها در آنجا کار می‌کرده و گزارش‌های متعددی برای OPCW نوشته است. تعداد محدودی از نشریات معتبر نیز به سند هندرسون اشاره کردند و...»

1. Organisation for the Prohibition of Chemical Weapons